

واکاوی راهبردهای تلفیق علوم انسانی با علوم پزشکی در ایران از دیدگاه صاحب نظران علوم انسانی کشور با رویکرد علوم همگرایی

احمد کلاته ساداتی^{۱*}، کامران باقری لنکرانی^۲، زهرا فلک الدین^۳، مهدی زنگنه^۴

چکیده

مقدمه: علوم انسانی پزشکی یکی از مهمترین نیازهای میان رشته‌ای است. از آنجایی که مهمترین بحث در این زمینه، چگونگی تحقق آن است هدف مطالعه حاضر، واکاوی راهکارهای تحقق علوم انسانی پزشکی در کشور از منظر اساتید علوم انسانی است. روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی در سطح ملی است که در سال ۱۳۹۸ انجام شد. با در نظر گرفتن معیار اشباع، داده‌ها با ۲۲ مصاحبه نیمه ساختاریافته و ۲ مورد به صورت پرسش باز جمع‌آوری شد. میدان مطالعه، اساتید دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، مازندران، یزد، شیراز، اهواز، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و جهاد دانشگاهی فارس بود. با توجه به عدم دسترسی به سه نفر از اساتید سؤالات با ایمیل کردن پرسشنامه باز از آنان جمع‌آوری گردید و تحلیل مطالعه به روش تحلیل مضمون انجام شد. نتایج: مشارکت کنندگان منتقد وضعیت فعلی علوم انسانی پزشکی در کشور بودند، از این جهت که ارتباط مؤثر و جدی بین علوم انسانی و علوم پزشکی وجود ندارد. برای تحقق امر، چهار مضمون توسعه نهادی دانش، هم‌جواری (توسعه غیر نهادی)، قوانین و سیاست و فرهنگ سازی استخراج شدند. نتیجه‌گیری: توسعه علوم انسانی پزشکی نیازمند سیاست‌گذاری‌های کلان در کشور است که با حمایت‌های نهادی سازمانی انجام گیرد. در این سیاست‌ها، هم‌جواری بین دو حوزه و توجه به حوزه فرهنگ نیز پیشنهاد می‌شود. در این زمینه برخورداری از رویکردی بومی در بازگشت به سنت‌ها و ریشه‌های علوم انسانی و بخصوص تاریخ ادبیات در آموزش علوم پزشکی پیشنهاد می‌شود. واژه‌های کلیدی: علوم انسانی پزشکی، میان‌رشته‌ای، هم‌جواری، فرهنگ میان‌رشته‌ای

۱-استادیار، گروه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، نویسنده مسئول

۲-استاد مرکز تحقیقات سیاستگذاری سلامت، پژوهشگاه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۳-دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، گروه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

۴-دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

* (نویسنده مسئول): تلفن: ۰۹۱۷۱۰۷۷۲۴۸ پست الکترونیکی: asadati@yazd.ac.ir

مقدمه

از دهه ۱۹۶۰ موضوع علوم انسانی پزشکی مطرح شد و تا به امروز با چالش‌ها و موانعی در سراسر جهان مواجه بوده است. علیرغم این چالش‌ها، اما همچنان به‌عنوان یک ضرورت در حوزه معرفت و دانش میان‌رشته‌ای از یک‌سو و سیاست‌گذاری‌ها از سوی دیگر مطرح بوده است. علوم انسانی پزشکی، به ما کمک می‌کند خودمان را بهتر بشناسیم، از جمله ارزش‌های ما و معنای انسان بودن را از طریق تأمل و تفسیر، گمانه‌زنی، الهام-بخشی و ارزیابی؛ و نه از طریق روش‌های تجربی یا علمی. بنابراین از نظر تاریخی، علوم انسانی به سؤالات اساسی ارزش‌های انسانی پرداخته است (۱). علوم اجتماعی و علوم انسانی به دانشجویان کمک می‌کند تا تحولات جمعیتی، معرفتی و فناوری در پزشکی امروز را بهتر بشناسند. آن‌ها تأملاتی را در مورد روابط پزشک - بیمار و همچنین زمینه پزشکی و عوامل اجتماعی در مسائل بهداشتی انجام می‌دهند. آن‌ها ابزارهایی را در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند تا روش‌های کار و تعامل آن‌ها با بیماران، همراهانشان و کلیه متخصصان بهداشت و جامعه را به‌طور کلی بیاموزند. این ابزارها آن‌ها را برای ورود به مشاغل خود با دیدگاه مستقل، مسئولیت‌پذیر و بیمار محور آماده می‌کند. باوجوداین، گرایش به سمت ایجاد علوم انسانی پزشکی به‌عنوان جزئی از آموزش پزشکی وجود دارد (۲). در دنیای امروز، دانشجویان پزشکی باید یاد بگیرند که بستر اجتماعی و فرهنگی که رشته پزشکی در آن استفاده می‌شود را بفهمند. مطالعات در علوم انسانی به روش‌های پیچیده و تغییر پارادایم کمک می‌کند به‌طور خلاصه، علوم انسانی بینش دیگری در مورد شرایط انسانی ارائه می‌دهد و به دانشجویان این امکان را می‌دهد که "انسان‌ها را به‌عنوان یک کل در نظر بگیرند" علاوه بر این، علوم انسانی به توسعه مهارت‌های تفسیری پیچیده کمک می‌کند و جنبه‌های عاطفی از هوش را تقویت می‌کند به همان اندازه که آن‌ها از اشکال متداول عقلانی‌گری مانند منطق، تحلیل، تجزیه و نقد استفاده می‌کنند. شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه دانشجویان رشته پزشکی که دارای سوابق بیشتر در علوم انسانی هستند، در هنگام تحصیل در معرض فرسودگی کمتری قرار می‌گیرند و در شرایط سخت بهتر عمل می‌کنند (۳). در ایران، موضوعات

میان‌رشته‌ای علم، هنوز در ابتدای راه خود قرار دارد. حدود یک دهه است که این موضوعات موردتوجه برخی اندیشمندان و مجلات علمی قرار گرفته است. موضوع علوم انسانی پزشکی نیز به‌عنوان علوم میان‌رشته‌ای، از موضوع مستثنی نیست. البته شکاف‌های اساسی بین علوم انسانی و علوم پزشکی وجود دارد. سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که راهکارهای تحقق علوم انسانی پزشکی در کشور از منظر اساتید علوم انسانی چیست و چگونه است. همچنین با توجه به این که محقق کیفی علاقه‌مند است تا معنایی که ساخته می‌شود را درک نماید، چون از طریق این معنا، افراد تجربیات و دنیای خود را قابل‌فهم می‌سازند، در این پژوهش برای رسیدن به فهم و توصیف و تفسیر افراد در مورد تحقق علوم انسانی پزشکی لاجرم از روش کیفی بهره گرفته شد. لازم به ذکر است از آنجایی که مسائل اجتماعی از این نوع بسترمند می‌باشند، لذا رویکرد کیفی انتخاب شد. چراکه تاکنون مطالعه‌ای با این رویکرد در ایران انجام نشده و پژوهشگران بر این نظر بودند که مسئله به لحاظ پژوهشی ماهیت کشف و واکاوی دارد تا تبیین علی.

روش کار

تحقیق حاضر یک مطالعه کیفی در سطح ملی در سال ۱۳۹۸ است. میدان مطالعه، اساتید دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، دانشگاه مازندران، دانشگاه یزد، دانشگاه شیراز، جهاد دانشگاهی فارس، دانشگاه اهواز، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه جمع‌آوری شد. رشته‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روانشناسی، جمعیت‌شناسی، فقه و حقوق، مددکاری اجتماعی، و مدیریت تخصص‌های اصلی مشارکت‌کنندگان را تشکیل می‌داد. در انتخاب مشارکت‌کنندگان معیارهای ورود عبارت بودند از:

- انجام حداقل یک طرح تحقیقاتی در حوزه سلامت (هشت مشارکت‌کننده).

- ارائه‌ی حداقل یک مقاله علمی مرتبط با سلامت، در مقالات معتبر یا در کنگره‌های مرتبط سلامت (همه‌ی مشارکت‌کنندگان).

از داده‌ها به چه چیزی می‌رسیم (۵) مزیت روش تحلیل تماتیک نسبت به روش‌های دیگر رویکرد نظری منعطف آن است که آن را از روش نظریه مبنایی (داده بنیاد) جدا می‌کند. این آزادی نظری از آن ابزار پژوهشی مناسبی می‌سازد که حین سادگی امکان ایجاد داده‌هایی غنی و پیچیده را فراهم می‌سازد (۶). بدین منظور ابتدا مفاهیم ابتدایی استخراج شد. محققان در رفت‌وآمد بین مفاهیم و داده‌ها، به کدها و درنهایت به مضامین اصلی دست یافتند.

اعتبار

قبل از انجام تحقیق، سؤالات تحقیق مورد تحلیل قرار گرفت که این سؤالات می‌تواند اهداف تحقیق را تأمین کند. همچنین بستر تحقیق، شیوه جمع‌آوری داده‌ها و اخلاق تحقیق نیز به وحدت نظر رسید. برای حفظ اخلاق تحقیق با آگاهی شرکت‌کنندگان و با رعایت اصول اخلاقی در تحقیق و به‌طور خاص اصل ناشناس بودن شرکت‌کنندگان از اسامی مستعار استفاده شد؛ در تحلیل داده‌ها یکی از راه‌های استفاده از روش تأیید مشارکت‌کننده تأمین اعتبار تحقیق حاضر بود. مقاله حاضر طرحی با مرکز تحقیقات راهبردی آموزش علوم پزشکی با کد اخلاق ۹۷۱۹۱۷ بود که در سال ۱۳۹۸ انجام گرفت.

نتایج

مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که علوم انسانی پزشکی در ایران، هنوز در ابتدای راه خود است و چه‌بسا که در مواردی هنوز در ابتدای راه نیستیم. درواقع، ارتباط تنگاتنگی بین این دو حوزه وجود ندارد و یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش رو نیز همین امر است. موانع و چالش‌های زیادی پیش رو وجود دارد. اما راهکارهای پیشنهادی مشارکت‌کنندگان در قالب چهار مضمون توسعه نهادی دانش، هم‌جواری (توسعه غیر نهادی دانش)، قوانین و سیاست و فرهنگ‌سازی استخراج شد (جدول شماره ۱).

- مرتبط بودن پایان‌نامه ارشد یا رساله‌ی دکتری یا در شرایط فعلی فعالیت در حوزه‌ی سلامت (شش مشارکت-کننده).

- تدریس حداقل یک واحد درسی مرتبط در یک دوره از سابقه‌ی تدریس دانشگاهی (-هشت مشارکت‌کننده).

- راهنمایی حداقل یک پایان‌نامه ارشد یا دکتری در حوزه سلامت (چهار مشارکت‌کننده).

لازم به ذکر است داشتن یکی از معیارهای مذکور، مبنای ورود به تحقیق به‌عنوان مشارکت‌کننده بود. در کنار این موارد، رضایت مشارکت‌کنندگان نیز جزء معیارهای ورود و نیز معیار اخلاقی تحقیق بود.

یک سوال اصلی و یا سؤالاتی از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد که: لطفاً برای ما بفرمایید که ناظر به تجربه‌ی خود، به نظر شما چگونه می‌توان علوم انسانی پزشکی را در کشور نهادینه کرد؟ جمع‌آوری داده‌ها به روش مصاحبه بود. در مجموع با ۲۴ نفر به اشباع رسید. ۲ مورد به صورت پرسش باز جمع‌آوری شد. در رابطه با مصاحبه در ۲۲ مورد، ۳ مورد به‌صورت تلفنی انجام گرفت و ۱۹ مورد به‌صورت حضوری و بعد از هماهنگی در دفتر کار اساتید مصاحبه انجام می‌گرفت. معمولاً بعد از صحبت سرچالش‌های شکل‌گیری علوم انسانی به سؤال اصلی پژوهش می‌پرداختیم که به نظر شما راهکارهای تحقیق علوم انسانی پزشکی در کشور چیست؟ در پرسشنامه باز نیز پرسش به‌صورت باز از طریق ایمیل در اختیار دو شرکت‌کننده قرار گرفت و بر اساس پاسخی که داده بودند تجزیه و تحلیل انجام شد. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل مضمون رویکرد کلارک و براون (۲۰۰۶) صورت گرفت. تحلیل تماتیک (تحلیل مضمون)، یکی از روش‌هایی است که برای تحلیل داده‌های کیفی در حوزه‌های مختلف از جمله جامعه‌شناسی، روانشناسی و سلامت مورد استفاده قرار گرفته است. این روش اغلب در تحقیقات کیفی به‌منظور دسته‌بندی الگوهای معنا از دل مجموعه‌ای از داده‌ها بکار می‌رود (۴). به عبارتی تحلیل تماتیک عبارت است از کدگذاری، طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها، با این هدف که

جدول شماره ۱: مضامین پیشنهادی توسعه علوم انسانی پزشکی در ایران از منظر اساتید علوم انسانی

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدها
توسعه‌ی نهادی دانش	- اصلاح سرفصل - توسعه دروس میان‌رشته‌ای	اعمال تغییراتی در کریکولوم‌ها و تاسیس رشته‌های جدید، اصلاح سرفصل‌های درسی، اضافه کردن واحدهای درسی مرتبط، اضافه کردن واحدهای درسی، گذاشتن واحدهای درسی مرتبط، نوشتن سرفصل‌های مشترک، نوشتن سرفصل جدید، بازنگری و اصلاح آموزش‌های پایه‌ای، زیرشاخه شدن تربیت‌بدنی
هم‌جواری (توسعه غیر نهادی)	- هم‌جواری فیزیکی - هم‌جواری اجتماعی - هم‌جواری علمی	اشتراک محیط‌های علمی و فراغت، انجام کارهای تحقیقاتی مرتبط، تاسیس رشته، بهره‌گیری از پایان‌نامه‌ها و کارهای مشترک انجام‌شده، راه‌اندازی اتاق فکرهای مشترک، بحث و گفتگوهای مشترک، گفتگوها و تعاملات دوجانبه، افزایش تعاملات غیررسمی،
قوانین و سیاست	- تغییر سیاست‌ها - اصلاح ساختارهای بوروکراتیک - تفاهم‌نامه‌های وزارتی	اصلاح سیاست‌گذاری‌های کلی، طرح تغییرات زیربنایی، تصویب قانون جامع و کلی، تصویب قوانین واحد و منسجم، اصلاح موانع ساختاری و ساختارها، بازنگری قواعد و مقررات، از بین بردن یا اصلاح رده‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های پژوهشی، ادغام دو وزارتخانه، امضا تفاهم‌نامه‌ها بین دو وزارت حمایت از افراد، نظارت دیگر گروه‌ها بر وزارت پزشکی، تخصص‌گرایی در سیاست‌ها
فرهنگ‌سازی	- جامعه‌پذیری کار تیمی - آموزش همگانی - تغییرات سازمانی	فراهم کردن زمینه‌های فرهنگی، فراهم کردن زمینه‌ها از سطح خرد، آموزش و آگاهی به افراد جامعه، آموزش‌های همگانی، به‌کارگیری رسانه، فرهنگ‌سازی بین‌رشته‌ای، انجام کارهای ترویجی و رسانه‌ای، ایجاد نگرش ضرورت کارهای مشترک، فراهم کردن محیط مشترک، تغییر فرهنگ سازمانی

بحث

هدف تحقیق حاضر، واکاوی راهکارهای تحقق علوم انسانی پزشکی در ایران است. نتیجه تحقیق نشان داد که این راهکارها در قالب فرایندهای توسعه نهادی (تاسیس رشته و سرفصل)، توسعه غیر نهادی (هم‌جواری‌های مختلف)، سیاست و فرهنگ ممکن است. با توجه به نتایج مورد بحث، مقاله وو و چن (۲۰۱۸) (۷)، لدجر و جوینس (۲۰۱۸) (۸) و کلاته ساداتی و باقری لنکرانی (۱۳۹۸) (۹) نیز در پژوهش‌های خویش تعامل بین علوم انسانی و علوم پزشکی را موردتوجه قرار داده‌اند و همسو با نتایج پژوهش فوق می‌باشند. تعامل در بسترهای علوم انسانی و علوم پزشکی، میدانی مشترک از گفتگو و تبادل دانش و اطلاعات به وجود می‌آورد که نتیجه آن می‌تواند شکل‌گیری و بسط علوم انسانی پزشکی باشد. کلاته ساداتی و لنکرانی در تحقیق خود به توسعه علوم میان رشته‌ای پزشکی به‌عنوان یک گفتمان مقاومتی در حاشیه میدان زیست-پزشکی اشاره کرده‌اند. اینکه در طول یک دهه اخیر کنفرانس‌ها، مقالات و مجلات مختلفی در این زمینه فعالیت داشته‌اند، دال بر

شکل‌گیری گفتمانی است که اگرچه در حاشیه گفتمان محوری زیست-پزشکی قرار دارد، اما با اخلاق مقاومت خود در حال تغییر فضا و میدان‌های اجتماعی دانش است (۱۰). این تحلیل درست به نظر می‌رسد و اکنون در کشور شاهد هستیم که همین گفتمان‌های حاشیه‌ای در حال تبدیل شدن به متن و میدان‌های خاص اجتماعی دانش با سرمایه‌های خاص خود هستند. مقاله وو و چن نیز به بررسی پیشرفت‌های آموزش علوم پزشکی در تایوان، چین و ژاپن می‌پردازد و همان‌طور که نویسندگان می‌گویند: زمان آن رسیده است که توسعه‌دهندگان علوم پزشکی و مهم‌تر از آن، آموزش پزشکی در سطحی بالاتر، به تحول شیوه‌های آموزش علوم پزشکی دوباره فکر کنند. همچنین لدجر و جوینس در مقاله خود، جایگاه موسیقی را در پیشرفت آینده پزشکان کشف می‌کنند، یک ارزیابی طولی که پروژه مطالعات ویژه موسیقی در دو هفته برای دانشجویان سال دوم و سوم پزشکی اجرا شد و در نتیجه چنین دوره‌ای باعث ایجاد خلاقیت می‌شود و همچنین به آن‌ها کمک می‌کند تا

اشتقاق لازم برای پیشرفت به‌عنوان متخصصان آینده را حفظ کنند. درواقع، همه پژوهش‌های انجام‌شده بر این باورند که تعامل علوم پزشکی و انسانی باعث پیشرفت هر دو رشته می‌گردد.

با این وجود، به نظر می‌رسد که علوم انسانی پزشکی، سپهر دانشی گسترده‌تری از تاسیس رشته‌های جدید، هم‌جواری‌ها و یا سیاست و فرهنگ است. به نظر می‌رسد علوم انسانی پزشکی، در میدانی گسترده‌تر به‌اندازه تاریخ و به‌طور خاص تاریخ ادبیات کشور ما قابل‌تعریف است. برادی در تحقیق خود راجع به تعاریف پیشنهادی از علوم انسانی پزشکی چنین رویکردی را بازگشت به ریشه‌های تاریخی تعریف کرده است.

نتیجه‌گیری

توسعه علوم انسانی پزشکی در بستری از فرایندهای نهادی و غیر نهادی انجام می‌گیرد. این بدان معناست که ضرورت توسعه‌ی نهادی دانش در این زمینه به معنای توسعه‌ی رشته‌های جدید تنها راه‌حل نیست. علوم انسانی پزشکی در بستری از مسائل سیاستی، فرهنگی و اجتماعی و نیز هم‌جواری در کنار توسعه‌ی نهادی دانش شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد. اگرچه در این مسیر نیازمند تغییراتی در برنامه درسی و تاسیس رشته‌های جدید، اصلاح سرفصل‌های درسی، اضافه کردن واحدهای درسی مرتبط هستیم، اما از سوی دیگر، نیازمند شکل‌گیری بستری محیطی از هم‌جواری حوزه‌ی علوم انسانی و علوم پزشکی هستیم. این هم‌جواری از طریق اشتراک محیط‌های علمی و فراغت، انجام کارهای تحقیقاتی مرتبط و مشترک، بهره‌گیری از پایان‌نامه‌ها و کارهای مشترک، راه‌اندازی اتاق‌های فکری بحث و گفتگو و تعاملات غیررسمی انجام می‌گیرد. علاوه بر این، اصلاح سیاست‌گذاری‌های کلی، تصویب قوانین واحد و منسجم، اصلاح موانع ساختاری و ساختارها، بازنگری قواعد و مقررات، از بین بردن یا اصلاح رده‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های پژوهشی نیز پیشنهاد می‌گردد. در پایان بایستی گفته شود، که تحقق علوم انسانی پزشکی یک امر فرهنگی است، ما نیازمند بستری بومی هستیم همان‌طور که در گذشته حکیمان سرشناس در این بستر تحقق یافتند، در شرایط فعلی نیز نیازمند بستری مشابه هستیم که همچنان که یک امر سیاستی است، یک امر فرهنگی و اجتماعی نیز می‌باشد.

تقدیر و قدردانی

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که توسعه علوم انسانی پزشکی لزوماً از منظر توسعه نهادی اتفاق نمی‌افتد. ضمن اینکه توسعه نهادی در رابطه با تاسیس رشته با چالش‌هایی چون برخورداری از اساتید توانمند در این زمینه و جایگاه شغلی فارغ‌التحصیلان روبروست.

از منظر نویسندگان تحقیق حاضر، بزرگ‌ترین موانع دانش بین‌رشته‌ای، توسعه‌ی نهادی آن است. چراکه اگر بنا باشد، برای هر رشته در علوم انسانی یک درس میان‌رشته‌ای در علوم پزشکی طراحی شود، طبیعی است که چنین روندی غیرممکن است. این امر زمانی چالش خود را برجسته می‌کند که قرار باشد، برای هر رشته علوم انسانی، یک‌رشته در علوم پزشکی طراحی شود. در این حالت، با موضوعاتی از قبیل کمبود منابع و امکانات، کمبود و یا نبود مدرس در رشته‌های موردنظر و مهم‌تر از همه، موضوع شغلی فارغ‌التحصیلان می‌باشد. لذا، پیشنهاد ما هم‌جواری است که البته با نگاه برادی این هم‌جواری در گستره وسیع‌تری از یافته‌های تحقیق حاضر بایستی جستجو شود. یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر بر این موضوع تأکید داشته که بایستی پزشکان را با ادیبان بزرگ و بخصوص مولانا، حافظ و سعدی آشنا کرد. در مثنوی مولوی روایت‌های بسیاری در مورد شیوه مواجهه حکما با بیماران وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده پزشکان قرار گیرد، یا نگاه پزشکان را به بیماری و درمان تغییر دهد. چنین رویکردی مشابه دیدگاه سوم برادی است که آن را دیدگاه اسلریان نامیده یعنی بازگشت به سنت‌های اولیه علوم انسانی و شاعران یونان باستان. و به گفته سیسر با ارشیا شاعری در ۶۲ سال قبل از میلاد مربوط است که اشاره کرد که: این مطالعات

قدردانی خود را از مشارکت کنندگان در تحقیق که وقت خود را در اختیار محققان گذاشتند، دارد.

مقاله حاضر برگرفته از یک طرح تحقیقاتی با عنوان "ارزیابی نقش و جایگاه علوم انسانی در علوم پزشکی، مطالعه از منظر اساتید علوم انسانی" و به شماره ۹۷۱۹۱۷ در مرکز تحقیقات راهبردی آموزش علوم پزشکی است که بدین وسیله از همکاری و حمایت مرکز مراتب تقدیر و تشکر را دارد. همچنین مراتب

References

1. Pellegrino ED. *Toward a reconstruction of medical morality: the primacy of the act of profession and the fact of illness*. The journal of medicine and philosophy 1979; 4(1): 32-56.
2. Lechopier N, Moutot G, Lefève C, et al. *Health professionals prepared for the future. Why Social Sciences and Humanities teaching in Medical Faculties matter*. Medical Education Publish 2018; 5: 7.
3. Sukhanova E. *The Role of Arts and Humanities in undergraduate Medical Curricula*. European Psychiatry 2009; 24(S1): 1.
4. Rafiei S, Salehinia M, Motalebi Qh. *Applying Thematic Analysis to Identify the Experienced Meaning during Routine Movement through Built Environments*. Scientific Journal of Iranian Architecture and Urbanism 2020; 10(18): 85-98. [Persian]
5. Braun V, Clarke V. *Using thematic analysis in psychology*. Qualitative research in psychology 2006; 3(2): 77-101.
6. Liamputtong P, Ezzy D. *Qualitative research methods: a health focus*. Oxford University Press, USA 1999.
7. Wu HY, Chen JY. *Conundrum between internationalisation and interdisciplinarity: reflection on the development of medical humanities in Hong Kong, Taiwan and China*. MedEdPublish 2018; 3: 7.
8. Ledger A, Joynes V. *"A huge part of my life": Exploring links between music, medical education, and students' developing identities as doctors*. MedEdPublish 2018; 3: 7.
9. Dolan B. *Humanitas: Readings in the development of the medical humanities* 2015.
10. Kalateh Sadati A, Bagheri Lankarani K. *Medical Humanities, A Study of the Challenges of Interdisciplinary Education in Medical Sciences in Iran*. Journal of Hakim Health System Research 2019. 22; 4(87): 298-307. [Persian]
11. Brody H. *Defining the medical humanities: three conceptions and three narratives*. Journal of Medical Humanities 2011; 32(1): 1-7.

***Analysis of Strategies for Integrating Humanities with Medical Sciences in Iran
from the Perspective of Humanities Experts with Convergence Sciences
Approach***

***Kalateh Sadati A^{*1} (Associate Professor), Bagheri Lankarani K² (Professor), Falakodin Z³ (PhD.
Candidate), Zanganeh M⁴ (Master student)***

^{1.} *Associate Professor, Department of Economic Sociology and Development, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran, Corresponding Author*

^{2.} *Professor of Health Policy Research Center, Health Research Institute, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran*

^{3.} *PhD Candidate in Economic Sociology and Development, Department of Economic Sociology and Development, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran*

^{4.} *Master student of the Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran*

Received: 11 Nov 2020

Revised: 06 Jan 2021

Accepted: 23 Feb 2021

Abstract

Introduction: Medical humanities are one of the most important interdisciplinary issue. Since the most important discussion in this field is how to achieve it, the purpose of this study is to analyze it from the perspective of humanities faculty members in the Iran.

Method: The present study is a national wide qualitative study that was conducted in 2019. Considering the saturation criterion, data were collected through 22 semi-structured interviews and two open questionnaires from the participants. Study analysis was performed by thematic analysis method.

Results: The participants were critical of the current situation of medical humanities in the country because there was no effective and serious relationship between humanities and medical sciences. Four themes were extracted: institutional knowledge development, neighborhood (non-institutional development), rules and politics, and culture.

Conclusion: The development of medical humanities requires macro-policies in the country to be done with organizational institutional support. In these policies, proximity between the two areas and attention to the field of culture are also suggested. In this regard, it is suggested to have a native approach in returning to the traditions and roots of humanities and especially the history of literature in medical education.

Keywords: medical humanities, interdisciplinary, neighborhood, interdisciplinary culture

This paper should be cited as:

Kalateh Sadati A, Bagheri Lankarani K. *Analysis of Strategies for Integrating Humanities with Medical Sciences in Iran from the Perspective of Humanities Experts with Convergence Sciences Approach.* J Med Edu Dev; 15(4): 287-293.

*** Corresponding Author: Tel: +09171077248 Email: asadati@yazd.ac.ir**